

تفسیر سوره توحید

<?xml encoding="UTF-8?">

قرآن کریم دارای محتوایی است وسیع و نامحدود؛ چرا که کلام خدا نامتناهی است و همانطور که خداوند فرموده است: اگر همه درختان قلم وار به نگارش بپردازند و دریاها مرکب شوند و بخواهند با آنها کلمات الهی را بنویسند، قلمها و دریاها به پایان می‌رسند اما نگارش کلمات و نعمتهای الهی به پایان نخواهد رسید. (سوره کهف - آیه 109)

پس بر آن شدیم در این نوشتار برای یافتن مختصر حقیقتی از این کتاب آسمانی به شرحی کوتاه از سوره مبارکه توحید بپردازیم.

فضیلت سوره

در مورد فضایل سوره مبارکه اخلاص روایات و احادیث متعددی وجود دارد که به سه مورد از این روایات اشاره می‌کنیم:

- 1- عبدالله بن حجر گوید: شنیدم امیرالمؤمنین «علیه السلام» فرمود: کسی که یازده مرتبه بعد از نماز صبح «قل هو الله احد» بخواند در این روز گناهی مرتکب نشود و بینی شیطان به خاک بساید. (1)
- 2- از امیرالمؤمنین «علیه السلام» روایت شده که: هر کس «قل هو الله احد» را یک بار بخواند گویا ثلث قرآن را خوانده و هر کس دوبار آن را بخواند گویا دو سوم قرآن را خوانده و هر کس سه مرتبه تلاوت نماید، گو اینک کل قرآن را تلاوت نموده است. (2)
- 3- از انس نقل شده نبی اکرم «صلي الله عليه وآله» در شام بود که جبرئیل بر او نازل شد و گفت: ای محمد، معاویه بن معاویه مرده است آیا دوست می‌داری بر او نماز گزاری؟ فرمود: بلی! پس جبرئیل بر او به نماز ایستاد و صفوی از ملائکه، در هر صفی 600 هزار ملک. پیامبر «صلي الله عليه وآله» پرسیدند: علت این فضل چیست؟ جبرئیل گفت: «قل هو الله احد» را در هر حالی قائم، قاعد، جالس، رونده و در حالت خوابیده می‌خواند. (3)

شان نزول

شان نزول این سوره مبارکه در سه وجه به طور خلاصه ذکر می‌گردد (4):

وجه اول: این سوره مبارک به سبب سؤال مشرکان نازل شده است. ضحاک نقل کرده است که مشرکان عامربن طفیل را نزد رسول گرامی «صلي الله عليه وآله» فرستادند و گفتند: ما بادین تو مخالفت می‌کنیم اگر فقیر هستی تو را غنی می‌کنیم و اگر مجنونی تو را مداوا می‌کنیم و اگر هوای زنی را کرده ای آن را به ازدواج تو در می‌آوریم پس رسول خدا «صلي الله عليه وآله» فرمودند: من فقیر و مجنون و شیفته هیچ زنی نیستم. من رسول خدا هستم، شما را از عبادت بتها به عبادت معبودم فرا می‌خوانم.

وجه دوم: این سوره به سبب سؤال یهود نازل شده است. عکرمه از ابن عباس نقل کرده است که همانا یهود نزد رسول خدا آمد در حالی که کعب بن اشرف با آنها بود. پس گفتند: ای محمد، اگر خدای تو خلق را بیافرید پس چه

کسی خود او را خلق کرد؟ پیامبر به غضب آمد و جبرئیل آمد و او را آرام نمود و این سوره نازل شد. وجه سوم : گفته شده این سوره به سبب سؤال نصاری نازل شد. عطاء از ابن عباس نقل کرده است که از نجران نزد رسول الله آمدند و گفتند : پروردگارت را برای ما وصف کن آیا اواز زبرد، یاقوت، طلا یا نقره است؟ فرمود : او از چیزی نیست زیرا او خود خالق اشیاست. پس این سوره نازل شد. نصاری گفتند : هو واحد و تو نیز واحدی! فرمود : لیس کمثله شیء. گفتند : صمد چیست؟ فرمود : او کسی است که خلق در حوائجشان به او نیازمندند. گفتند : باز هم بگو! فرمود : لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد، همانند او نظیری نیست.

وجه تسمیه

این سوره از سور مکی است و بعضی گفته اند که مدنی است. آن را بدین سبب توحید نامیده اند که چیزی جز توحید در آن نیست و کلمه توحید را اخلاص هم گفته اند. بعضی گفته اند : توحیدش نامیده اند برای آنکه هر کس از روی اعتقاد و اقرار به آنچه در آن است، متمسک شود، مؤمن و مخلص خواهد بود. بعضی نیز گفته اند برای آنکه هر کس آن را با تعظیم قرائت کند خدا او را از آتش خلاص نماید. و نیز صمد نامیده اند، هم سوره قل هو الله احد و هم سوره نسب اقرب. (5)

اما در تفاسیر بیست نام برای این سوره آمده است : (6)

- 1- تفرید 2- تجرید 3- توحید 4- اخلاص 5- نجات 6- ولایت 7- نسبة 8- معرفة 9- جمال 10- مقشقة 11- معوذة 12- صمد 13- اساس 14- مانعة 15- محضر 16- منفرة 17- براءة 18- مذكرة 19- نور 20- امان

معانی آیات

قل هو الله احد : در باره این آیه ابن عباس می گوید : یعنی در صفت ذاتش یکتاست و احدی در وجوب صفاتش شریک نیست زیرا که او واجب است که موجود و عالم و قادر و حی شده و این صفات واجب برای او نیست. (7)

قل : در بیان آوردن «قل»، علما اختلاف دارند. همانطور که می دانیم در قرائت مشهور کلمه قل آورده و خوانده می شود. در این سوره نظر دقیقی بیان نشده است؛ مانند آنچه که در سوره کافرون است که ناچار از آوردن قل است و یا اینکه در سوره تبت جایز نیست لفظ قل آورده شود، اما گفته شده که پیامبر «صلي الله عليه وآله» آن را بدون قل و بدین صورت ادامی فرموده : «الله احد، الله الصمد».

اما دلیل قایلان به آوردن لفظ «قل» این است : «السبب فيه بيان ان النظم ليس في مقدوره بل يحكي كل ما يقال له» اما در مورد حذف آن می توان گفت : حذف قل از سوره برای این است که رفع توهم شود از افراد که تمام فرموده های خداوند بر نبی «صلي الله عليه وآله»، معلوم بوده است. (8)

هو : هو اسمی است که اشاره به غایب دارد؛ «هاء» تنبیه است و معنای ثبوت دارد و «واو» اشاره به غایب است از آنچه که محسوس است؛ زیرا کفار از الهه ها و خدایان خود بدینگونه حرف می زدند که او محسوس است و با دیدگان درک می شود پس به محمد «صلي الله عليه وآله» گفتند : ای محمد خدای خود را به ما طوری معرفی کن تا او را ببینیم و با دیدگانمان درکش کنیم، پس این سوره نازل شد. «واو» در آن اشاره است به کسی که غایب از درک ابصار و غایب از لمس حواس است بلکه اودرک کننده، مدرک الابصار، و مبدع الحواس است. (9)

و نیز در جایی دیگر آمده است : هو کنایه از اسم رب است؛ زیرا عرب به پیامبر اکرم «صلي الله عليه وآله» گفتند

: پروردگارو خدای تو کیست؟ گفت : «هو الله احد» (10)

الله : به معنای کسی است که همه چیز برای اوست و برای او خلق شده است. امام باقر «علیه السلام» فرموده اند : «الله، معناه المعبود، الذي اله الخلق، و همه چیز و همه کس از وجود او و از خلقت زیبایی او در تحیر است و علمارا بر آن احاطه نیست و علم هیچ عالمی به آن نمی رسد. (11)» در تفسیر و فضیلت الله آمده که عکرمه چنین نقل کرده است : هنگامی که یهود گفتند : ما عزیز پسر خدا را عبادت می کنیم و مشرکان گفتند : ما مسیح را می پرستیم و او پسر خداست. و مجوس گفتند : ماماه و خورشید را می پرستیم و مشرکان گفتند : ما بتها را عبادت می کنیم، خداوند بر رسول چنین نازل فرمود : «قل هو الله احد» یعنی او واحدی است که هیچ نظیر، وزیر، یاور، شبیه و معادلی برای او نیست. و این لفظ غیراز برای خداوند عزوجل بر احدی اطلاق نمی گردد زیرا که او کامل در جمیع صفات است. (12)

هو الله : عبارت «هو الله» اشاره دارد به دو مطلب مهم که ذیلا بدانها اشاره می گردد :

1- او خالق و فاطر جمیع اشیاست از جماد و نبات و حیوان و ملک و ملکوت و این متضمن اتصاف است به قدرت و عالمیت به جهت آنکه خلق موجودات در غایت احکام و التساق و انتظام است و فعل محکم متقن، جز از قادر و عالم به وجود نیاید.

2- خالقیت متضمن وصف اوست به حیات و سمع و بصر، یعنی سمیع و بصیر (13).

الله احد : قول «الله احد» دلیلی است برای رد مذهب مجسمه : زیرا جسم احد نیست زیرا که اجزاء بسیار دارد و خداوند با این قولش دلالت بروحدانیت خود کرده است پس این درست است که او جسم نیست. (14)
احد : امام باقر «علیه السلام» فرمودند : الاحد المفرد المتفرد و احد واحد یعنی خدای واحد و بی نظیر و او خدایی است که از چیزی گرفته نشده است. (15)

احد وصف خداوند است به وحدانیت و نفی شرکا از او (16).

اصل «احد» وحد بوده و «واو» قلب به «همزه» شده است. (17)

فرق میان واحد و احد : 1- واحد، در حساب و عدد استعمال شود به خلاف احد 2- احد، متجزا و منقسم نمی شود در ذات و صفات 3- واحدا را ثانی باشد، لکن احد را ثانی نخواهد بود. 4- احد را ممتنع است شریک بودن در ذات و صفات لکن واحد را محال نیست. 5- واحد اطلاق بر ذوی العقول و غیر آن نماید لکن احد، خاص ذوی العقول است. (18)

الله الصمد : صمد وجوهی دارد که اشاره ای مختصر به آن می کنیم :

1- از حضرت علی بن موسی الرضا «علیهما السلام» نقل است : صمد آن است که عقلها از درک کیفیت او عاجزند.
2- لم یزل و لا یزال باشد. 3- صمد آنکه نخورد و نیاشامد و خواب نکند یعنی زنده ای که احتیاج به این صفات سه گانه نداشته باشد. 4- مولای مطاعی که فوق او هیچ آمو ناهی نباشد. 5- ذاتی که او را شریک نباشد و نگاهداشتن چیزی او را در رنج نیفکند و چیزی از او پنهان نباشد. (19) صمد آن است که هر گاه اراده کند بر چیزی بگوید باش، پس می باشد و این به نقل از امام زین العابدین «علیه السلام» است. (20)
ابن عباس گفته است : الصمد یعنی هو السید الذي قد کمل في سیادته والشریف الذي قد کمل في شرفه، والعظیم الذي قد کمل في عظمته والحلیم الذي قد کمل في حلمه و العلیم الذي قد کمل في علمه و الحکیم الذي قد کمل في حکمته. (21)

تفسیر حروف در الصمد

حضرت امام صادق «علیه السلام» فرمود: جماعتی از فلسطین نزد پدرم امام محمد باقر «علیه السلام» آمدند و مساله ای چند پرسیدند و جواب شنیدند. بعد از آن «الصمد» را پرسیدند: پدرم فرمود: پنج حرف است: الف، دلیل برانیت او سبحانه لام، دلیل است بر الهیت اوصاد، دلیل است بر آنکه او سبحانه صادق است و قول و کلام او صدق و داعی بندگان به اتباع صدق و واعدایشان است به صدق در دار صدق. میم، دلیل است بر ملک او و اومالک مطلق است؛ لم یزل و لا یزال. د - دلیل است بر دوام ملک او و اینکه او دائم الوجود است و از کون وزوال مبرا و منزه می باشد (22). چرا احد نکره و صمد معرفه آمده است؟

جواب - رازی می گوید:

غالباً در اذهان و اوهام اکثر مردم هر موجودی محسوس و هر محسوسی منقسم است و قابلیت تقسیم پذیری دارد. و هر چه منقسم نباشد در خاطر و ذهن خلق جای نمی گیرد. پس صمد کسی است که همه در حوائجشان به او نیازمندند و این نزد اکثر خلق معلوم است و لکن احد نزد بیشتر خلق ناشناخته و غیرمعلوم است. ولیکن صمد نزد بیشترین شناخته شده است. (23)

لم یلد و لم یولد

خداوند زاییده نشده و نمی زاید و از چیزی خارج نمی شود، مانند تولدانسان از انسان و حیوان از حیوان و یا گیاه از زمین و آب از چشمه ها و میوه ها از درختان نیست.

او پروردگاری است که «لا من شیء و لا فی شیء و لا علی شیء» است (24).

لم یلد صفتی است که نفی شرک و مجالست را از او نماید (25).

لم یلد را به عبارتی می توان گفت که او بیرون نیامد از وجودش چیز کثیف که ولد باشد و سایر اشیای کثیف که از مخلوق بیرون می آید و نه چیز لطیف مثل نفس و روح و منبعث نمی شود از او عوارضات مثل خواب، غم، حزن، بهجت، خنده، گریه، خوف، رجا، رغبت، گرسنگی، سیری و غیر آن یعنی متعالی است از آنکه متولد و بیرون آید از او اشیای کثیف و محل حوادث نیست (26).

و لم یولد وصف ذات سبحانی است به قدم و اولیت ذات یگانه او. (27)

و لم یولد: یعنی تولید از چیزی نشده و از چیزی بیرون نیامده است. او ایجاد کننده است، به قدرتش، و آنچه را به مشیتش ایجاد کرده برای فنا و نابودی متلاشی نمی کند. باقی می گذارد آنچه خلق کرده برای بقا و ابدیت به علمش، پس این است الله الصمد یکه نزاده و نمی زاید و حضورمنزه است. (28)

وجه تقدم «لم یلد» بر «لم یولد»:

به چه علت لم یلد ابتدا آمده باینکه در ظاهر می بینیم که اول مولودی است و سپس والد است؟

جواب - هنگامی که خلقت واقع شد و خلایق بوجود آمدند قایل به وجود فرزندی برای خدا شدند؛ زیرا مشرکان عرب می گفتند: «الملائكة بنات الله» و یهود می گفتند: عزیز پسر خداست و نصاری بر این بودند که مسیح پسر خداست، به همین خاطر لم یلد مقدم بر لم یولد ذکر گردیده است. (29)

و لم یکن له کفوا احد

کیفیت قرائت : کفوا، به ضم کاف وفاء خوانده می شود و همچنین به ختم کاف و کسرش به سکون فاء. و ابوعبیده در مورد کفوا گفته است : کفو و کف و کفاء» .

به معنی واحد است و آن به معنی مثل است ولیکن اکثر مفسران در این مورد قولهای مختلفی دارند. (30) ترمذی گفته است که : لم یکن له کفوا احد و برای او همانندی نیست و معادلی نیست. هیچ چیز در عالم وجود مثل او نیست. (31) خداوند آنچه براو جایز نیست از صفات نقص را بیان کرد با : «و لم یکن له کفوا احد.» (32)

تفسیر کفو

در تفسیر کفو اقوال و تفاسیر مختلف است. مفسران سه قول را بیان نموده اند (33) :

1- کعب و عطاء گفته اند : لم یکن له مثل و لا عدیل

2- مجاهد گفته است : لم یکن له صاحبة. چنانچه خداوند خود فرموده : لم یکن احد کفوا له.

3- قول سوم بر این است که خداوند خود فرموده که او مصمود الیه است و همه خلق در قضای حوایج خود به او نیازمندند.

دلالت اعضای سوره بر چیست؟

بعضی از اهل تحقیق فرموده اند : نزد طایفه معطله عالم را صانع نیست. فلاسفه را عقیده بر آن است که صانع نام و وصف ندارد. مذهب ثنویان آنکه شریک دارد اعتقاد مشبهه آنکه شبیه به خلق است. یهود و نصاری گویند : او را زن و فرزند است و اعتقاد مجوس آنکه کفو و همسر دارد. حال چون بنده گفت (هو) از تعطیل بیزار شد، چون گفت (الله) از گفتار فلاسفه تبری نمود، به گفتن (احد) از طریقه بت پرستان و ثنویه تبرا نمود، به گفتن (الله الصمد) از مذهب مشبهه دور شد، به گفتن (لم یلد و لم یولد) از یهود و نصاری و به گفتن (و لم یکن له کفوا احد) از مجوس مبرا گردید. (34)

فایده در تکرار لفظ الله : چرا لفظ «الله» در «الله الصمد» بعد از «الله احد» دوباره تکرار شده است؟ جواب : اگر دوبار این لفظ دو بار به کار نمی رفت احد و صمد وجوبا با هم معرفه یا نکره می آمد. و این جایز نیست. ناگزیر این لفظ باید تکرار شود تا احد بتواند نکره و الصمد معرفه بیابند (35).

اقسام شرک و نفی آن صفات با آیات سوره توحید

بعضی از صاحبان زبان و علم کلام گفته اند : شرک هشت قسم است :

1- نقص 2- تقلب 3- کثرت 4- عدد 5- علت بودن 6- معلول بودن 7- اشکال 8- اضداد

خداوند متعال نفی کرد از صفت خود کثرت و عدد را بقولش «قل هو الله احد» و تقلب و نقص را بقولش «الله الصمد» و علت و معلولی را به قولش «لم یلد و لم یولد» و نفی کرد اشکال و اضداد را به قولش «و لم یکن له کفوا احد» پس وحدانیت بحث و محض بسیط خدا (36) حاصل شد.

فواید سوره توحید

فوایدی چند از این سوره با فضیلت ذکر می گردد :

1- اول سوره دلالت می کند بر آنکه او واحد و صمدی است که ضدیتی در پیشی گرفتن به احسان به لطف او نیازمندند. «لم یلد و لم یولد» به این مطلب اشاره دارد که او غنی علی الاطلاق است و از تغییرات مادی منزّه است

و جود و کرمش به خاطر نفع و یا دفع ضرري از او نیست بلکه احسان محض است «و لم یکن له کفو احد» اشاره به نفي صفات نکوهیده و سلبیه در اوست .

2- خداوند با قول (احد) کثرت را از ذاتش نفي کرد و با لفظ (الصمد) نفي نقص و مغلوب بودن از خود نمود. و با لم یلد و لم یولد نفي علي و معلولي و با (و لم یکن له کفو احد) نفي اضداد و انداد.

3- همانا این سوره در حق خدامانند سوره کوثر است در حق رسول «صلي الله عليه وآله»، و همانطور که به پیامبر نسبت ابتر بودن دادند و سوره کوثر نازل شد سوره توحید هم نازل شد برای اثبات اینکه خدا فرزندی ندارد (37).

پي نوشت ها :

1) طبرسي - شيخ ابو علي : تفسير مجمع البيان، چاپ سوم، ج 27، ص 357

2) فيض کاشاني - ملا محسن : الصافي في تفسير القرآن، چاپ ششم، ج 2، ص 866

3) سيوطي - جلال الدين عبدالرحمن : الدر المنثور في التفسير بالماثور، قم، منشورات مكتبة آية الله العظمي المرعشي النجفي، ج 5 و 6، ص 411

4) فخر رازي : تفسير كبير، ج 32، ص 175

5) ر.ک : طبرسي : مجمع البيان، چاپ دوم، ج 27، ص 355

6) فخر رازي : همان منبع، ج 32، ص 176

7) طبرسي : همان منبع، ص 366

8) ر.ک : فخر رازي : همان منبع، ص 178

9) فيض کاشاني - ملا محسن : همان منبع، ص 366

10) طوسي - محمد بن حسن : التبيان في تفسير القرآن، ج 1، ص 430

11) فيض کاشاني - ملا محسن : همان منبع، ص 863

12) ابن كثير : تفسير القرآن العظيم، بيروت، چاپ دوم، ج 4، ص 498

13) شاه عبدالعظيمي : تفسير اثني عشري، تابستان 64، ج 14، ص 383

14) طوسي - محمد بن حسن : همان منبع، ص 430

15) فيض کاشاني - ملا محسن : همان منبع، ص 863

16) شاه عبدالعظيمي : همان منبع، ص 386

17) طوسي : همان منبع، ص 430

18) شاه عبدالعظيمي : همان منبع، ص 383

19) همان منبع، ص 383

20) طبرسي : مجمع البيان، چاپ دوم، ج 27، ص 370

21) ابن كثير : همان منبع، ص 498

22) شاه عبدالعظيمي : همان منبع، ص 384-385

23) فخر رازي : همان منبع

(24) فیض کاشانی - ملا محسن : همان منبع، ص 865

(25) شاه عبدالعظیمی : همان منبع، ص 387

(26) همان منبع، ص 384

(27) همان منبع، ص 387

(28) طبرسی : همان منبع، ص 371

(29) فخر رازی : همان منبع ، ص 183

(30) همان منبع، ص 184

(31) ابن کثیر : همان منبع ، ص 494

(32) طبرسی : همان منبع، ص 375

(33) فخر رازی : همان منبع ، ص 185

(34) طبرسی : همان منبع، ص 387

(35) فخر رازی : همان منبع ، ص 183

(36) طبرسی : همان منبع، ص 375

(37) فخر رازی : همان منبع، ص 185

***** برگرفته شده از دو ماهنامه مشکوة النور، شماره 3